

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری
دانشگاه پیام نور مرکز تهران
دانشکده علوم انسانی، گروه الهیات
رشته: معارف نهج البلاغه

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
رشته: معارف نهج البلاغه

سیمای اهل البیت (علیهم السلام) در نهج البلاغه

۱۳۸۴ / ۲ / ۱۵

کتابخانه اطلاع‌رسانی مرکز معارف
پیشینه اسنادی

تالیف: سید احمد الهی نیا

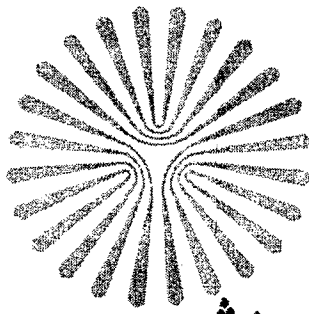
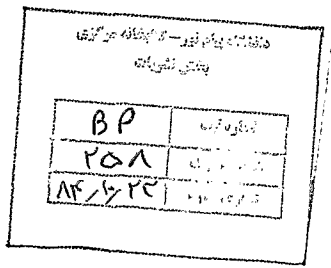
استاد راهنما: دکتر محمد دزفولی
استاد مشاور: دکتر کاظم عسکری

بهار ۱۳۸۴

۹۷۹۱۱

سیمای اهل البیت (علیهم السلام)

در نهج البلاغه



دانشگاه پیام نور

تصویب نامه

پایان نامه تحت عنوان

سیمای اهل بیت (ع) در نهج البلاغه

نمره ۱۸ هجری، درجه عالی

تاریخ دفاع : ۸۴/۹/۳۰

اعضای هیات داوران :

امضاء

استاد راهنما

۱- آقای دکتر دزفولی

استاد مشاور

۲- آقای دکتر عسگری مجد

استاد داود

۳- آقای دکتر معارف

۴- آقای دکتر میردامادی نماینده گروه

تقدیم به:

اهل البيت صلوات الله عليهم اجمعين
وامام عصر عجل الله تعالى في فرجه الشريف

با تقدیر و تشکر از:

دکتر محمد دزفولی استاد محترم راهنما

دکتر کاظم عسکری استاد محترم مشاور

وپدرم: حجت الاسلام سیدعلی الهی نیا که راهنمای همیشگی ام بوده

و همه کسانی که مرا در تهیه این نوشتار همراهی نموده اند.

چکیده	پنج
بخش اول مقدمه	۱ الی ۱۷
بخش دوم: معرفی کوتاه نهج البلاغه	۱۸ الی ۲۵
مؤلف نهج البلاغه	۱۹
تالیفات سید رضی	۲۰
پیرامون کتاب نهج البلاغه	۲۲
بررسی اسناد نهج البلاغه	۲۳
بخش سوم: شرحی کوتاه بر آیه تطهیر	۲۶ الی ۳۰
آیه تطهیر	۲۷
آیه تطهیر و همسران پیامبر	۲۸
اراده تکوینی خداوند و آیه تطهیر	۳۰
بخش چهارم: معرفی اهل بیت	۳۱ الی ۳۹
مصادیق اهل بیت	۳۲
پاکی نسل اهل بیت	۳۴
فضائل اکتسابی اهل بیت	۳۸
بخش پنجم: علم و دانش اهل بیت	۴۰ الی ۴۹
مبادی علوم اهل بیت	۴۱
علم اهل بیت لازمه امر رهبری	۴۴
اهل بیت و علم غیب	۴۵
ویژگیهای علوم اهل بیت	۴۶

۴۶ دروازه علم
۴۷ امیران سخن
۴۷ راسخون در علم
۴۹ زنده کننده علم و میراننده جهل

بخش ششم: مقام و منزلت اهل بیت ۵۰ الی ۵۵

۵۱ منزلت اهل بیت
۵۲ ارزش شناخت اهل بیت
۵۳ منزلت اهل بیت در قیامت
۵۴ اهل بیت مانند ستارگان آسمان

بخش هفتم: مقام امامت و رهبری اهل بیت ۵۶ الی ۶۳

۵۷ اختصاص امر رهبری در اهل بیت
۵۸ امامت امری خدایی
۵۹ لزوم اطاعت از اهل بیت
۶۱ معیار امامت
۶۲ ویژگی های رهبران اهل بیت

بخش هشتم: هماهنگی اهل بیت ۶۴ الی ۶۹

۶۵ هماهنگی با قرآن و حق
۶۷ هماهنگی بین خود اهل بیت

بخش نهم: اهل بیت و مردم ۷۰ الی ۷۸

۷۱ وجوب اطاعت از اهل بیت
----	-----------------------------

۷۴	عواقب اطاعت نکردن از اهل بیت
۷۵	همراهی اهل بیت با مردم
۷۶	عفو و گذشت اهل بیت
۷۸	رفتار با زیر دستان
۷۹ الی ۸۴	بخش دهم: مظلومیت اهل بیت
۸۰	صبر در شرایط سخت جامعه
۸۱	ظلم قریش بر اهل بیت
۸۴	مشکل فهم برخی احادیث اهل بیت
۸۵ الی ۹۴	بخش یازدهم: ویژگیهای دیگر اهل بیت
۸۶	توصیف مهدی موعود
۸۷	گفتار و سکوت اهل بیت
۸۷	عبادت اهل بیت
۸۹	طلب معاش اهل بیت
۹۰	اثر دوستی و دشمنی با اهل بیت
۹۱	پرهیز از غلو درباره اهل بیت
۹۴	فهرست منابع و ماخذ

بسم الله الرحمن الرحيم

در این تالیف به کمک خدا سعی کرده ام به معرفی اهل البیت و تبیین جایگاه ایشان در دین اسلام از دیدگاه درخشان ترین و برجسته ترین چهره اسلامی بعد از پیامبر(ص) یعنی علی بن ابی طالب (ع) بپردازم. سعی کرده ام، با توصیه اساتید محترم، آراء و نظریات بیان شده، با مراجعه به منابع قدیمی تاریخی ارائه شود و حالت تطبیق با آراء اهل سنت داشته باشد.

می خواهیم با پیروی از فرمایشات ایشان منبع شناخت اسلام را دوباره بشناسیم، و نقش رهبران نصب شده از طرف پیامبر(ص) به فرمان خداوند را تبیین نموده و بدانیم که وظیفه ما در مقابل این رهبران چیست؟ چگونه می توان با پیروی از ثقل اکبر یعنی قرآن با پیام (وَاعْتَصِمُوا بِمَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا) و

اطاعت از ثقل اصغر یعنی اهل البیت علیهم السلام اتحاد واقعی بین مسلمانان جهان بوجود آورد؟ در این تحقیق ابتدا به معرفی اجمالی کتاب شریف نهج البلاغه و مؤلف آن پرداخته و سپس تفسیر اجمالی از آیه تطهیر ارائه نموده ام، و مصادیق اهل البیت علیهم السلام را با مراجعه به منابع تاریخی مشخص نموده ام. تلاش نموده ام ویژگیهای مختلف خدادادی و اکتسابی ایشان را از میان خطبه ها، نامه ها و حکمت های آن حضرت به عنوان چهره ای که از دیدگاه دو مکتب اهل تسنن و شیعیان مورد وثوق و اطمینان است در بخشهای: علم و دانش اهل بیت، مقام و منزلت اهل بیت، مقام امامت و رهبری اهل بیت، هماهنگی اهل بیت، اهل بیت و مردم، مظلومیت اهل بیت، ویژگیهای دیگر اهل بیت. تشریح نمایم، و با مراجعه به تفاسیر مرجع و منابع تاریخی جایگاه واقعی اهل البیت علیهم السلام را تبیین کرده، اعتقادات شیعیان واقعی را با توجه به نظرات ائمه اطهار تشریح نموده و تهمت های که ناآگاهانه و یا مغرضانه به پیروان این مذهب مظلوم وارد شده را آشکار نمایم و نظر غلو کنندگان درباره ائمه را نیز به منظور اصلاح نقد نمایم.

از خداوند می خواهم زمانی برسد که با رفع ابهامات و روشن شدن مبانی اختلاف و عزم برای پیروی از راه حق که به فرموده قرآن کاملاً آشکار است، (قَدْ تَبَيَّنَ الرِّشْدُ مِنَ الضَّلٰى) زمینه سازی لازم برای همبستگی دینی و مشارکت عمومی همه مسلمانان جهان فراهم شود. ان شاء الله.

بخش اول: مقدمه

- انگیزه تحقیق و تبیین موضوع
- روش تحقیق و سابقه
- ضرورت شناخت امام حقیقی
- حدیث امامان دوازده گانه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿ فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ وَ يَتَّبِعُونَ أَمْرَهُ أُولَئِكَ

الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْوَالِدُونَ ﴾^۱

پس بشارت بده به آن بندگان که سخن را می شنوند و از بهترین آن پیروی می کنند. آنان همان کسانی هستند که خداوند آنها را هدایت کرده و آنان همان خردمندانند.

انگیزه تحقیق و تبیین موضوع

هدف آرمانی از تالیف این نوشتار زمینه سازی برای ایجاد وحدت بنیادی بین پیروان واقعی اسلام است، وحدتی که مبتنی بر ایمان و اعتقاد به اصول اولیه اسلامی یعنی کتاب و سنت است.^۲ و نیز شناخت رهبران واقعی که پیامبر اطاعت از ایشان را بر همه مسلمانان واجب ساخته است، در این مطلب که اسلام را باید از قرآن و سنت پیامبر اخذ کرد اختلافی نیست، اما چه کسانی می توانند کتاب خدا و سنت رسول الله را نقل کرده و توضیح دهند؟ با توجه به اینکه در حق اختلافی نیست در مورد اختلاف بین روایات صحابه چه باید کرد؟ کدام يك از مکاتب ارائه شده انسان را به سر منزل مقصود می رساند؟

اما در عصر کنونی که دوره قیام و رویارویی دشمنان اسلام با ملت های مسلمان با هدف از بین بردن اسلام است، بیش از هر چیز باید به مسئله وحدت و یگانگی اندیشید و با دقتی افزون تر به این نسخه شفا بخش (قرآن) خداوند مراجعه کرد.

﴿ ان هذِهِ اُمَّتُكُمْ اُمَّةً وَاحِدَةً وَ اَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ ﴾^۳

همانا این امت یکپارچه است و فقط من پروردگارتان هستم پس مرا عبادت

(اطاعت) کنید.

﴿ وَ اطِيعُوا اللَّهَ وَ اطِيعُوا رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فِتْنَةً لَكُمْ وَ تَذَهَبَ رِيكُكُمْ ﴾^۴

ازمر ۱۸

۲ حتی ایجاد وحدت سیاسی بین کشورهای اسلامی چیزی است که دشمنان اسلام از تحقق آن وحشت دارند. دسیسه های پنهان و آشکار دشمنان اسلام در ایجاد فرقه های ساختگی و دامن زدن به اختلافات قومی و قبیله ای مؤید این مطلب است. لازم است در جهان کنونی کشورهای اسلامی با تکیه بر این همه مشترکات دینی و مذهبی و منافع سیاسی اقتصادی با یکدیگر متحد شده، تا از فرهنگ و منافع خود در برابر تهاجم فرهنگی، اقتصادی دیگر کشورها محافظت نمایند. لازم است تا درباره این موضوع فکر شود که چگونه برخی کشورهای اسلامی با غاصب قبیله اول مسلمین و برخی کشورهای که دارای سیاست های معلوم الحال می باشند می توانند همکاری و رابطه داشته باشند ولی با کشورهای اسلامی با این همه مشترکات نمی توانند؟!

۳ انبیاء ۹۲

۴ انفال ۴۶

از خداوند و رسولش اطاعت کنید و با یکدیگر نزاع نکنید که شکست خورده و قدرت و اعتبارتان از دست برود.

﴿وَاعْتَصِمُوا بِمِثْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾^۵

همگی به ریسمان خداوند چنگ بزنید و پراکنده نشوید.

اما اتحاد وقتی با ارزش و با دوام است که، ریشه اعتقادی و ایمانی داشته باشد و بر مبنای سطحی نگری ایجاد نشده باشد.

بدیهی است که به علت پاره ای اختلافات بنیادی به طور مسلم یکی از دو گروه حق است و دیگری باطل! حال اگر کسی بخواهد آن عقاید حقه را بدست آورد، و با اصول و فروع دین آشنا شده و سعادت دنیا و آخرت خود را بدست آورد باید از کدام يك از دو گروه پیروی کند؟ در حالی که هر کدام از دو گروه راه ارائه شده توسط مکتب خودشان را تنها راه به سوی خدا و بهشت و راه دیگر را به سوی ضلالت و گمراهی که نتیجه ای جز سقوط در جهنم ندارد معرفی می کنند. در این وقت است که برای انسان جویای حقیقت به حکم عقل لازم می شود درباره تاریخ گذشته و عقاید هر دو گروه به دور از تعصب به تحقیق و کنجکاوی بپردازد، و آنها را از نظر افکار، اخلاق، اعمال و صادق بودن و کاذب بودن و... بشناسد تا بتواند سرمایه اصلی حیات دنیوی و اخروی خود را در مسیر تبعیت از آنها بدست آورد. عقل به ما می گوید: اگر به عنوان مثال آب و غذای شما که به آن احتیاج دارید در دست دو گروه قرار گرفت و به هنگام نیاز شما به آن، هر دو گروه ادعا کردند که گروه مقابل آب و غذای شما را به زهر آلوده کرده، بدیهی است به صرف همین احتمال خود را موظف به شناسائی هر دو گروه می کنید و برای حفظ جان خود بدون تحقیق از آنها استفاده نخواهید کرد. کاملاً واضح و روشن است که دین و عقاید و احکام دینی که تامین کننده حیات ابدی انسان است به مراتب از آب و غذا که تامین کننده حیات موقت و پایان پذیر دنیوی است، مهمتر است.

بله با تحقیق و تتبع در تاریخ دوگروهی که در صدر اسلام بوجود آمده و خود را مرجع دینی امت معرفی کردند، متوجه می شویم که اختلافات زیادی در تبیین اصول عقاید و احکام شریعت دارند، پس تحقیق و جستجو برای یافتن حقیقت از واجبات مسلم عقلی است، و این آیه قرآن نیز بر همین مطلب تاکید دارد

﴿...أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْمَقَامِ ان يَتَّبِعِ امْن لَا يَهْدِي اِلَّا ان يَهْدِي﴾

﴿فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ﴾^۶

پس آیا آن کس که هدایت به سوی حق می کند شایسته و سزاوار پیروی کردن از اوست یا آنکه خود نیازمند به هدایت است، پس شما را چه شده است؟ چگونه داوری می کنید؟.

اگر کسی بگوید که طرح این مباحث و تجدید حوادث غم انگیز گذشته، چه ضرورت و فایده ای دارد و چه بسا خود باعث اختلاف و تشتت آرا می شود و تفرقه خود باعث مرگ امت است! در جواب باید گفت اگر آن حوادث و وقایع گذشته فقط جنبه تاریخی داشته باشد تجدید خاطرات گذشته فایده ای قابل توجه ندارد، اما اگر آن وقایع ارتباط با عقاید مذهبی داشته باشد؛ اعتقاداتی که برای پیروانش جنبه حیاتی داشته باشد؛ و بر مبنای آن اعتقادات در دنیا زندگی کنند و سعادت دنیای خود را بخواهند با آن عقاید تامین کنند و حتی در جهان برزخ با آن اعتقادات ادامه حیات بدهند، این مباحث از نظر عقلی لازم است، و دیگری این که بر اساس همین اعتقادات دو مکتب فکری در صدر اسلام به وجود آمده که هر کدام از این دو مکتب ادعا دارند که سمت پیشوایی امت را بر عهده دارند و امت را به پیروی از خود فرا می خوانند، و راه خود را تنها راه رسیدن به خدا میدانند، آن وقت مساله فرق خواهد کرد.

البته باید توجه داشت که مسئله تحقیق درباره يك مکتب و ارائه مدارك مثبت در این باره و روشن نمودن افکار نسل جوان نسبت به اصول و مبانی مکتب اصیل و برحق، متفاوت با مسئله ایجاد اختلاف و فتنه انگیزی است.

این ندای قرآن است که می فرماید:

﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ﴾^۷

از آنچه درباره آن آگاهی نداری پیروی مکن.

تنها با شعار وحدت دادن، نه اتحاد واقعی در بین مسلمین در این جهان بدست می آید و نه سعادت

آخرت تامین می شود، امیر المومنین علی (ع) می فرماید:

((واعلموا انکم لن تعرفوا الرشده متى تعرفوا الذی ترکہ، ولن

تأخذوا بميثاق الكتاب متى تعرفوا الذی نقضه))^۸

بدانید که شما هرگز نمی توانید راه حق را بشناسید مگر اینکه آن کسی که آنرا رها کرده است بشناسید، و نمی توانید به پیمانی که خدا از شما گرفته وفادار باشید مگر اینکه اول کسانی که آنرا نقض کردند بشناسید.

و آن پیمان قرآن این است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ مِمَّا تَقَاتَهُ وَلَا تَموتُنَّ إِلَّا وَهَاتِهِ﴾

مسلمون! واعتمضوا بيمين الله جميعا و لا تفرقوا^۹

ای کسانی که ایمان آورده اید تقوی را آنچنانکه حق آن است رعایت کنید و مسلمان بمرید و همگی به ریسمان خداوند جنگ بزنید و پراکنده نشوید.

خداوند به ما فرموده است که من برای نجات شما از آلودگی هایی که در دنیا به آن دچار شده اید و برای نجات از فریفتگی هایی که در چاه دنیا وجود دارد ریسمانی از عالم رحمانیت و رحیمیت خودم به سوی شما انداخته ام به آن بچسبید و خود را به عالم قرب من برسانید. حال اگر بیرسیم که آن ریسمان خدا چیست؟ همه می گویند: قرآن ولی اگر قرآن به تنهایی همان حبل الله بود این همه تفرقه و اختلاف در بین مکاتب اسلامی نبود زیرا همگی می گویند قرآن! بله قرآن حبل الله است ولی آن قرآنی که در دستان اهل البیت علیهم السلام باشد. نه آن قرآنی که معاویه بر سر نیزه کرد. و این دید گاه نشأت گرفته از حدیث متواتر تقلین است که متن آن با راویان مختلف در کتابهای گوناگون دو فرقه آمده است.

هرگز نباید فرقه ای از مسلمانان فرقه دیگر را دشنام دهد. حتی قرآن کریم سب بتها را روا نمی بیند

﴿وَلَا تَسبُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ﴾^{۱۰}

معبودهای باطل آنها را دشنام ندهید.

امیر المومنین علی (ع) در جنگ صفین به لشکریانش فرمان دادند که:

((إني أكره لكم أن تكونوا سبائين))^{۱۱}

من از این که شما دشنام دهنده باشید اکراه دارم.

اما لعنت دشنام نیست و این کاری است که خداوند در قرآن می فرماید:

﴿لعنهم الله في الدنيا و الآخرة...﴾^{۱۲}

۹ آل عمران ۱۰۳/۱۰۲

۱۰ انعام ۱۰۸

۱۱ نهج البلاغه خطبه ۱۹۷

۱۲ احزاب ۵۷

لعنت می کند خداوند آنها را در دنیا و آخرت...

و نیز فرموده:

﴿إِلَّا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ﴾^{۱۳}

همانا لعنت خداوند بر ظالمین است.

وحدت اعتقادی وقتی به وجود می آید که مسائل مورد اختلاف بین دو مکتب مشهور شیعه و اهل سنت به طور بنیادی با مراجعه به منابع تاریخی و بررسی دقیق احادیث و تشخیص صحیح از سقیم آن مطرح شود و پس از بررسی از راه حق تبعیت و پیروی شود، و این امری ممکن است و این ندای همیشگی قرآن است که می فرماید:

﴿قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ﴾^{۱۴}

به تحقیق راه رستگاری از گمراهی مشخص شده است.

روش تحقیق و سابقه

اینجانب سعی کرده ام در این نوشتار در مرحله اول با مراجعه به کتاب شریف نهج البلاغه تمام فرمایشات آن حضرت درباره اهل بیت پیامبر را جمع آوری نمایم و پس از دسته بندی مطالب و در مرحله بعد با استفاده از شروح مختلف نهج البلاغه و همچنین فرمایشات دیگر آن حضرت درباره اهل بیت در دیگر منابع و استفاده از احادیث دیگر سیمای اهل بیت علیهم السلام را تبیین و تشریح نمایم، البته خوب می دانم که معرفی ایشان از عهده من و امثال من خارج است، لذا برای شناخت ایشان باید از سخنان و راهنمایی های خودشان استفاده کرد.

عنوان این نوشتار سیمای اهل بیت علیهم السلام در نهج البلاغه می باشد، لذا سعی شده تا باشد که معرفی ایشان از منظر امام علی (ع) به عنوان کسی که فضائل او بین دو مکتب شیعه و اهل تسنن مانند خورشید نور افشانی می کند، در ایجاد وحدت آرمانی میان مسلمانان مؤثر واقع شده ما را به مسیر حق راهنمایی فرماید.

چون هدف این تحقیق معرفی اهل البیت در منظر امام علی (ع) از کتاب شریف نهج البلاغه است علاقه مندان به تحقیق بیشتر در باره مقایسه بین دو مکتب اهل تسنن و اهل البیت علیهم السلام را به آثار دو دانشمند

محقق و مخلص ارجاع می دهد. یکی آثار مرحوم علامه شرف الدین عاملی خصوصا کتاب های ((المراجعات)) و ((النص و الاجتهاد)) و نیز استاد مسجل، علامه محقق سید مرتضی عسکری، خصوصا کتاب شریف ((معالم المدرستین)) در ۳ جلد. در ضمن ۳ اثر معروف سید محمد تیجانی به نام های ((آنگاه هدایت شدم))، ((همراه با راستگویان)) و ((اهل سنت واقعی)) مورد مراجعه و استفاده این جانب بوده اند.

ضرورت شناخت امام حقیقی

باز هم یادآور می شوم که در این مطلب که اسلام را باید از قرآن و سنت پیامبر اخذ کرد اختلافی نیست. ولی تکلیف ما در هنگامی که اعمال و سیره اصحاب با رسول خدا اختلاف داشت چیست؟^{۱۵} آیا همه صحابه پیامبر به خاطر مصاحبت با ایشان عادل و مورد اطمینانند؟

: این در حالی است که خداوند در قرآن کریم عده ای از ایشان را منافق معرفی کرده و می فرماید:

﴿وَمِن مَّوَلِّكُم مِّنَ الْأَعْرَابِ مَنَافِقُونَ وَمِن أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا

عَلَى النِّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَمِن نَعْلَمُهُمْ سَنَعْزِبُهُمْ مَّرْتِنِينَ ثُمَّ نَدُونَ إِلَى

عَذَابٍ عَظِيمٍ﴾^{۱۶}

وبعضی از آنان که پیرامون شمایند از اعراب منافقانند و از اهل مدینه که پایدارند بر نفاق، نمی دانی ایشان را و ما می شناسیم ایشان را، زود باشد ایشان را عذاب کنیم دو برابر، پس برگردانده می شوند به سوی عذاب دردناک .

چگونه بین حق و باطل وحدت عمیق عقیدتی به وجود می آید؟! چگونه این وحدت عملی است در حال که عده ای از مسلمانان که خوارج نام دارند مبنای اعتقادشان را بر اساس تکفیر همه مسلمانان که در میان ایشان، عثمان خلیفه سوم، امیر المومنین علی (ع)، عایشه، طلحه و زبیر و... هستند، قرار داده اند و از همه اظهار انزجار کرده و بیزاری می جویند و فقط خودشان را مسلمان می دانند؟ همه مسلمانان از اینکه عده ای دیگر از مسلمین عقاید و رهبران آنها را مورد لعن و دشنام قرار داده ناراحت می شوند و چه بسا دچار درگیری

۱۵ در این زمینه کتاب قطور و مستقلی به نام اجتهاد در مقابل نص با تکیه بر منابع اهل سنت توسط علامه شرف الدین به چاپ رسیده و موجود است به عنوان مثال و به نقل از این کتاب، مساله حج که جمع بین حج و عمره پیروی از سنت رسول خدا است که پیروان مکتب اهل البیت علیهم السلام و پیروان احمد ابن حنبل از مکتب سلفیه آن را با هم به جا می آورند در حالی که دیگر مذاهب اسلامی به پیروی از خلیفه دوم حج را تنها و بدون عمره به جا می آورند. و یا مساله قصر نماز مسافر که روش خلیفه سوم با پیامبر و دیگر خلفا اختلاف داشت.

های قومی مذهبی شده راه را بر تسلط دشمنان اسلام بر مسلمانان هموار می نمایند! چگونه وحدت واقعی میسور است تا هنگامی که عده ای از مسلمانان عده ای دیگر را فقط به خاطر اینکه برای قبور پیامبر و ائمه خود احترام گذاشته و آنها را در پیشگاه خدا شفیع قرار میدهند و به آنها توسل می جویند را کافر و مشرک می دانند؟ (در حالی که مسلمانان صدر اسلام به هنگام فتح کشورهای که اهل کتاب در آن زندگی می کردند، کلیساها و عبادت گاه های آنها را ویران نمی ساختند با اینکه در کلیساها مجسمه های مسیح وجود داشت و مسیحیان به آنها تبرک می جستند، بلکه با ایشان معامله اهل کتاب می نمودند).

همچنین ایشان را به باد لعنت می گیرند و اگر به تاریخچه این لعن نگاه کنیم می بینیم که پایه این امر را معاویه پس از شهادت امیرالمومنین علی (ع) در سال چهارم هجری بنیاد نهاد و دستور داده بود در سراسر حکومت اسلامی آن زمان بر منابر خطبه های نماز جمعه ایشان را لعن کنند و این امر تا سال ۱۳۳ هجری یعنی پایان حکومت اموی ادامه داشت البته باید ۲ سال حکومت عمر ابن عبد العزیز را استثنا کرد.

باید قبول کرد و پذیرفت که همه صحابی پیامبر را نمی توان بر راه صواب و حقیقت دانست، زیرا بعد از وفات پیامبر عده ای از صحابه با عده ای دیگر اختلاف پیدا کرده و حتی با یکدیگر وارد جنگ شدند، و چگونه ممکن است که هر دو گروه بر حق باشند؟

باید مطابق آیات قرآن و عقل بپذیریم که قرآن به تنهایی و بدون مبین هدایت کننده نیست، قرآن دارای محکم و متشابه است دارای مجمل و مبین است. امر تبیین و توضیح قرآن را در زمان پیامبر خود ایشان بر عهده داشت.

﴿و انزلنا الیک الذکر لتبیین للناس ما نزل الیهم و لعلهم

یتفکرون﴾^{۱۷}

و به تحقیق نازل کردیم قرآن را بر تو تا روشن کنی آنچه به سوی مردم نازل

شده است، باشد که بیاندیشند.

و نیز خداوند اسلام را در سیره و روش پیامبر مجسم ساخته و مردم را به پیروی از ایشان فرمان داده:

﴿لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه﴾^{۱۸}

همانا برای شما سیره پیامبر روش نیکویی است.

و نیز فرموده اند:

﴿ مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمُ عَنْهُ فَانْتَهُوا ﴾^{۱۹}

آنچه رسول خدا برای شما می آورد بگیرید و از آنچه نمی می کند پرهیزید.

اگر این کتاب بدون وجود مبین قابل فهم بود که این همه اختلاف در میان امت اسلامی وجود نداشت. این اختلافات و سرگردانیها برای این است که مردم از مبین اصلی قرآن دور افتاده و برای فهم مجملات آن به دنبال بشر عادی رفته اند و اکنون دچار مشکلات فراوانی شده اند. همیشه و در هر زمان اقلیتی صاحب نفوذ پیدا می شوند که جلو افتاده و **اكثرهم لا یعقلون** را هم دنبال خود می کشانند.

امیر المومنین علی(ع) می فرماید:

((یؤخذ من هذا ضغث و من هذا ضغث فیمیزجان فهناک

یستولی الشیطان علی اولیائه))^{۲۰}

گروه گمراه کننده پیرو شیطان پاره ای از حق و پاره ای از باطل می گیرند و با هم مخلوط می کنند و در این زمان است که شیطان رهبری دوستانش را به عهده می گیرد.

باید بپذیریم که برای هر کاری باید سراغ کارشناس همان کار برویم و مهم تر اینکه کارشناس واقعی را بشناسیم و برای این کار باید زحمت کشید تحقیق و تفحص کرد. مبادا با پیروی از حدس و گمان آینده خود را تباه گردانیم و یا اینکه به منطق کور پیروی از پدران و گذشتگانمان گرایش پیدا کنیم. وقتی به آنها گفته می شود بیائید به سوی خدا و رسول خدا می گویند:

﴿ قَالُوا بَل نَتَّبِعُ مَا الْفِئَا عَلَیْهِ آبَاؤُنَا ﴾

و خداوند می فرماید:

﴿...أُولُو كَانِ آبَاؤُهُمْ لَا یَعْقِلُونَ شِیْئًا وَ لَا یَهْتَدُونَ ﴾^{۲۱}

می گویند: همان راه پدرانمان ما را کافی است. حال اگر پدران شما چیزی نمی

دانستند و راه حق را نیافته بودند. باز هم باید شما دنبالشان بروید.

ما معتقدیم که وظیفه جانشین پیامبر همان وظایف رسول الله است یعنی علاوه بر فرمانروائی بر جامعه وظیفه تبیین و تشریح قرآن و بیان احکام خدا را بر عهده دارد و نیز حفاظت از حوزه مسلمین، و چون هدایت

به راه و صراط مستقیم منظور خداوند از بعثت است، لذا باید امام مسلمین مانند پیامبر عاری از خطا و اشتباه باشد وگر نه منظور خدا از هدایت محقق نمی شود و به اصطلاح نقض غرض می شود. و اتباع از کسی که متصل به این منبع نباشد و از روی فکر خود احکام خدا را بیان کند اطمینان بخش نیست.

کدام عقل سلیم برخی فتوای فقهی را می پذیرد که تعدادی از علما با تکیه بر عقل و دانش خود آنرا صادر کرده اند! ۲۲

یا به عنوان مثال عالمی که یکی از رهبران اهل سنت می باشد و مدتی هم شاگرد امام صادق(ع) بوده و در این باره گفته است که اگر آن ۲ سال نبود من هلاک می شدم، نزد امام صادق آمده وگفت وگویی زیر بین آنها انجام شده است.

امام از ایشان پرسیدند: تو فقیه اهل عراق هستی و برای مردم فتوی می دهی؟

گفت: بله

فرمود: احکام خدا را از کجا به دست می آوری؟

گفت: از قرآن

فرمود: آیا تو قرآن را می فهمی؟ ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه آنرا می دانی؟

گفت: بله می فهمم.

فرمود: همه ی احکام که در ظاهر قرآن نیست! اگر نبود از کجا می آوری؟

گفت: من اهل قیاس و استحسانم و از این راه حکم خدا را استخراج می کنم. ۲۳

فرمود: بر اساس قیاس آیا قتل نفس گناهی بیشتر است یا زنا؟

گفت: البته قتل نفس.

فرمود: پس چرا قتل نفس با شهادت دو شاهد عادل نزد قاضی اثبات می شود اما در مورد زنا شهادت

چهار شاهد عادل لازم است تا اثبات شود. با اینکه اقتضاء قیاس عقلی این است که مسئله بر عکس باشد.

ایشان ساکت ماند و نتوانست پاسخ دهد.

و نیز فرمود: آیا نماز از جهت عبادت افضل است یا روزه؟

۲۲ به عنوان مثال به این فتوا توجه کنید: لگر مثلا مردی در هندوستان است، زنی را که در روم زندگی می کرده به عقد شرعی خود در آورده و هیچ همدیگر را ندیده اند اگر پس از چند سال آن مرد نزد زنش بیاید و ببیند آن زن دارای چند فرزند است: همگی آنها اولاد همان مردند و از یکدیگر ارث می برند!! گفتند آخر این چگونه می شود در حالی که تنها عقدی واقع شده؟ و این زن و شوهر اصلا همدیگر را ندیده اند؟! گفته است اینها زن و شوهر شرعیند و ممکن است در خواب همدیگر را دیده باشند، همین قدر کافی است.

الفقه علی المذاهب الاربعه جلد ۴ صفحه ۱۶

۲۳ قیاس=مقایسه کردن موضوعی با موضوع دیگر به خاطر شباهت و سرایت حکم آنها به همدیگر و استحسان=مطلبی که مورد پسند عقل و ذوق باشد

گفت: البته نماز که ستون دین است و در هیچ حال ترك نمی شود ولی روزه از بیماران، پیران و مسافران ساقط می شود.

فرمود: اگر این است پس چرا زن حائض روزه اش قضا دارد ولی نمازش قضا ندارد؟

ایشان ساکت ماند و نتوانست پاسخ دهد.

فرمود: آیا پلیدی بول بیشتر است یا منی؟

گفت: بول پلید تر است.

فرمود: پس چرا در بول شستن مخرج کافی است ولی در منی باید تمام بدن شسته شود؟

ایشان باز ساکت ماند و نتوانست پاسخ دهد.

امام فرمود: از خدا بترس و با دین خدا بازی نکن و در دین خدا قیاس نکن زیرا اول کسی که قیاس کرد ابلیس بود، که وقتی خدا او را با جمع فرشتگان به سجده ی بر آدم امر کرد او ابا کرد و خلقت خود را با خلقت آدم مقایسه کرد. و آفریده شدن با آتش را بر آفرینش از خاک برتری داد. (فرق نور معنوی را از نور ظاهری آتش تشخیص نداد)

برای روشن شدن نقش امام و اهمیت شناخت آن به اختصار به بررسی این حدیث مشهور پیامبر که در منابع اهل سنت هم وارد شده می پردازم که ایشان فرمودند:

((من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة))^{۲۴}

هر کس بمیرد ولی امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت از دنیا رفته

است.

یعنی تمام اعمالی که انجام داده از او پذیرفته نیست و گویا در زمان جاهلیت قبل از اسلام زندگی می کرده است حال باید پرسید مراد از امام زمان هر کس که در تمام زمانها شناخت و اطاعت از ایشان لازم است کیست؟ و منظور از امامت چیست؟ هر انسان عاقلی می فهمد که قطعاً همه حاکمان سیاسی که در طول تاریخ اسلام بر مسلمین فرمانروائی کرده و بعضی انسانهای فاسق و... بوده اند را شامل نمی شود. و خداوند قبولی اعمال مومنین را موقوف به شناخت امثال یزید ابن معاویه، عبدالملک مروان و... نمی کند.

امیر المومنین علی(ع) در توضیح کلمه امام می فرمایند:

۲۴. الغدير جلد ۱۰ صفحه ۳۶۰ که با تفصیل منابع روایت از اهل سنت را هم ذکر کرده است.